

نقد و بررسی مبانی روش شناختی کتاب‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد دورهٔ دبیرستان

محمد ضیایی موید *

چکیده

با رشد سریع علوم طبیعی رویکردی عجیب در معرفت‌شناسی و جهان‌شناسی پدید آمد که تنها معرفت حسی و مادی را باور داشت و هر چیزی را که قابل آزمون حسی نبود، خرافه می‌دانست. این نحلهٔ فکری سعی نمود، دیدگاه خود از انسان و جامعه را نیز بر محافل آکادمیک تحمیل نماید و از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی فلسفی به سمت حس‌گرایی برود و دیدگاه مکانیستی به انسان و جامعه را مبنای درست بداند. اما از نیمهٔ دوم همان قرن، متفکرانی مانند دیلتای پیدا شدند، که با این روند مخالف بودند و تسری مبانی روش‌شناختی علوم طبیعی را به علوم انسانی نادرست می‌شمردند. این مکتب اعتراضی که در مقابل تجربه‌گرایی فلاسفهٔ انگلیسی‌زبان شکل گرفته بود، در پدیدارشناسی هوسرل به تثبیت رسید. این دیدگاه در مقابل رویکرد علم‌گرایی اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی)، باور دارد که اختیار انسان واقعیتی است که باعث می‌شود، روش مطالعهٔ انسان و جامعه مانند علوم طبیعی مانند فیزیک و شیمی آزمون نباشد. امروز نیز پیروان این دو جریان به جدیت در مقابل یکدیگر صف‌آرایی نموده‌اند، ولی پیدایش و رواج روش‌های کیفی تحقیق در علوم انسانی نشان می‌دهد که محافل

*. دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران / سید امیر سید رضای زریاف، کارشناس روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) - (ذیل محور ۷: نظام برنامه‌ریزی، سرفصل‌ها و محتوای دروس علوم انسانی)

آکادمیک نیز در این تقابل فلسفی، رأی رویکرد پدیدارشناسی (فنونولوژی) را نیز به عنوان یک شیوه علمی پذیرفته است.

از دیدگاه اسلامی نیز که به موضوع نگاه کنیم، باور به مختار بودن انسان و وجود عوامل ماوراء ماده و حس، باعث می‌شود نتوانیم رویکرد اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) به علوم انسانی را قبول کنیم. اما متأسفانه در کتاب‌های روان‌شناسی و اقتصاد دوره دبیرستان رویکرد مطرح، علم‌گرایی تجربی است. کتاب جدیدی نیز که توسط گروه کاملاً جدید در جامعه‌شناسی سال دوم دبیرستان دوره انسانی تألیف شده است با وجود اینکه به درستی رویکرد پوزیتیویستی را نقد کرده، اما جایگزینی که ارائه می‌کند، با توجه به مبانی کلامی نبوت و امامت صحیح نمی‌باشد. چرا که شناخت و حیانی را ذیل معرفت شهودی قرار داده است، اما می‌دانیم که وحی ذیل شهود عرفانی قرار نمی‌گیرد و نوع خاصی از اتصال انبیا و اوصیا به عالم غیب است.

در این مقاله پس از بحثی مختصر در مورد مبانی فلسفی دو رویکرد روش‌شناختی اثبات‌گرایی (پوزیتیویستی) و پدیدارشناسی (فنونولوژی)، مباحث روش‌شناختی کتاب‌های روان‌شناسی و اقتصاد بررسی شده است. سپس با توجه به مبانی کلام تشیع در مورد ماهیت وحی، رویکرد روش‌شناختی کتاب جدیدالتألیف جامعه‌شناسی ۱، نقادی شده است. بدین ترتیب سعی می‌شود مبانی بهتری برای روش تولید علوم انسانی اسلامی ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: مبانی روش‌شناختی علوم انسانی، پوزیتیویسم، پدیدارشناسی، علم دینی.

۱. مقدمه

یکی از مهمترین سؤال‌های تاریخ علم این است که دلیل اصلی انقلاب علمی در قرن ۱۷ چه بود؟ آیا تبیینی بود که فرانسویس بیکن از استقرا ارائه نمود؟ یا تغییر نگاه انسان مدرن به جهان باعث این جستجوگری شد؟

اگر با دقت تاریخ تحولات علمی و اجتماعی اروپا از قرن ۱۱ تا قرن ۱۷ را مرور کنیم متوجه می‌شویم که اصلاح روش علمی نمی‌تواند عامل اصلی این تحولات باشد چرا که راجر بیکن در قرن ۱۳ استفاده از روش‌های تجربی را پیشنهاد نموده بود. حتی خود ارسطو روش استقرا و آزمون را تئوریزه کرده بود. پس چرا تا تحقیقات گالیله این روش تکمیل